

دین‌داری و نگرش مدرن در میان زنان طلبه و دانشجو

دکتر مجید موحد

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز

دکتر حلیمه عنایت

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز

میثم کایدان بدیع

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پاسخ‌گویی به این سؤال که آیا اساساً بین دین‌داری و نگرش مدرن رابطه‌ی وجود دارد یا خیر، به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه صورت گرفته‌است. جامعه‌ی آماری پژوهش را تمامی دانشجویان زن مشغول به تحصیل در دانشگاه شیراز در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکترا و همچنین، زنان طلبه‌ی حوزه‌های علمیه‌ی شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۵ تشکیل می‌دهند، که از میان آن‌ها بیش از ۲۹۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

نتایج به‌دست‌آمده بیان‌گر آن است که میزان دین‌داری طلاب زن در تمام ابعاد، در مقایسه با هم‌تایان خود در دانشگاه، بسیار بالاتر است؛ در حالی که مقایسه‌ی نمره‌های مقیاس نگرش مدرن دو گروه نشان می‌دهد که به غیر از دو بُعد عام‌گرایی و شهروندی، در بقیه‌ی ابعاد، دانشجویان نگرش مدرن بالاتری دارند؛ بر این اساس، رابطه‌ی منفی میان دین‌داری و نگرش مدرن در میان کل پاسخ‌گویان مشاهده می‌شود، گرچه این رابطه در میان زنان حوزوی، رابطه‌ی معنادار نبوده‌است.

واژگان کلیدی

دین‌داری؛ نگرش مدرن؛ زنان؛ حوزه؛ دانشگاه؛

پیدایش پدیده‌ی مدرنیته، به عنوان شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی، تمامی ابعاد گوناگون زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده و به نظر می‌رسد که دگرگونی دین و باورهای دینی انسان‌ها از سایر ابعاد گسترده‌تر است. تغییرات ناشی از مدرن شدن، که زندگی دینی زنان را به شیوه‌هایی متفاوت و متنوع تحت تأثیر قرار می‌دهد، ممکن است گاه باعث افزایش زمینه‌های فعالیت دینی زنان، خواه در درون و خواه در بیرون از چهارچوب‌های دینی سنتی، شود و گاه باورها و مناسک دینی زنان را در مقابل نیروهای مدرنیزاسیون آسیب‌پذیر کند (یوشکا^۱ ۲۰۰۱).

فمینیست‌ها بر این باور اند که تمام تجربه‌ها، از جمله تجربه‌های دینی، تحت تأثیر جنسیت شخص قرار دارد. در هیچ جامعه‌ی مردان و زنان تجربه‌ی دینی یکسان ندارند و زنان معمولاً با تفسیر سنت‌های دینی به شیوه‌ی خودشان، وسایلی را برای تأیید ارزش و تجربه‌های دینی خود پیدا می‌کنند. ادیان نیز به عنوان نهادهای اجتماعی، نه تنها شکل‌دهنده‌ی نقش‌های جنسیتی در جامعه اند، بلکه چه‌گونه‌ی مشارکت مردان و زنان در فعالیت‌های دینی را نیز معین می‌کنند (تافت^۲ ۱۹۹۵).

در دوران مدرن، ماهیت رابطه میان صورت‌بندی جدید با نظام اجتماعی سنتی، به‌ویژه دین، نظر اندیش‌مندان اجتماعی را به خود جلب کرد، زیرا فرآیند نوسازی با ایجاد تمایز بین زندگی عمومی و خصوصی و نسبت دادن زنان و خانواده به زندگی خصوصی، زنان را هرچه بیشتر به قلمروهای خصوصی و خانگی محدود کرد و باعث کاهش میدان عمل مستقل آنان شد؛ به گونه‌ی که زنان، تقریباً تا همین اواخر، در این حوزه‌ها نقش کمی بر عهده داشتند و یا اساساً نقشی نداشتند. مدرنیته، قبل از هر چیز، متوجه حوزه‌های عمومی زندگی سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی بود و تکامل آن با رشد و شکل‌گیری انواعی جدید از حوزه‌های خصوصی همراه شد، که به طور اخص به محدود ساختن زنان به کارهای خانگی انجامید (ولف^۳ ۱۳۸۰)؛ در نتیجه، دین به دلیل آزادی اجتماعی بیش‌تر زنان در آن، اهمیت شخصی بیش‌تری یافت و با فرآیند تمایز یافتگی، که با سلب نقش‌های عمومی دین، مانند آموزش، حکومت، و رفاه به خصوصی‌تر شدن دین کمک کرد، پیوندی طبیعی میان نهادهای دینی و خانواده برقرار شد؛ به عبارت دیگر، دین در جامعه‌ی مدرن، از یک سو با حمایت از ارزش‌های خانواده هرچه بیش‌تر زنانه و خانگی شد و از سوی دیگر با فعالیت‌های

¹ Juschka, Darlene M.

² Toft, Evelyn

³ Wolff, Janet



داوطلبانه‌ی خیرخواهانه و اجتماعی و یا زیر عنوان مقام‌های دینی و یا مبلغان دینی، به طور محدود، زمینه‌ی ورود زنان به عرصه‌های عمومی زندگی را فراهم کرد (وودهد^۱ ۲۰۰۲).

در ایران، بحث در مورد سنت و مدرنیته رابطه‌ی نزدیک و تنگاتنگ با حوزه و دانشگاه دارد و در واقع، تأسیس دانشگاه در ایران باب تعامل علم و دین و به عبارتی سنت و مدرنیته را گشود، اما به دلیل آن که در ایران «دانشگاه، نه بر شانه‌های سنت آموزشی، بلکه مستقل از نهادهای آموزشی سنتی شکل گرفت» (رجب‌زاده ۱۳۸۱: مقدمه)، بر خلاف برخی کشورهای دیگر، در یک گسست تقریباً کامل از نهادهای آموزشی گذشته بنا شد (تهرانیان ۱۳۷۵) و نیروهای نوگرایی پشتیبان آن، زمانی که در تقابل با نیروهای اجتماعی دیگر، مانند روحانیت و قدرت‌مندان سنتی قرار داشتند به تأسیس و تقویت آن همت گماشتند (رجب‌زاده ۱۳۷۸)؛ بر این اساس، دانشگاه در ایران، فرهنگ، عقاید، و باورهایی را پروراند که در مواردی با فرهنگ و ارزش‌های مرسوم و برگرفته از دین و سنت ناهم‌سویی داشت (رجب‌زاده ۱۳۸۱).

با توجه به آنچه گفته‌شد، هدف این پژوهش بررسی این سؤال‌ها است که آیا اساساً بین دین‌داری و نگرش مدرن رابطه‌ی وجود دارد یا خیر و حال که به نظر می‌رسد دانشگاه در ایران به عنوان سازمانی در خدمت اصول و اهداف مدرنیته عمل می‌کند و در مقابل نهادهای سنتی جامعه قرار گرفته‌است، آیا زنان دانشجو و طلبه نیز از نظر شاخص‌های دین‌داری و همچنین نوع نگرش به مدرنیته با هم تفاوت دارند؟ از سوی دیگر، با توجه به آن که یافته‌های پژوهشی، چه در ایران و چه در غرب، به شکلی قاطع بیان‌گر دین‌داری بیش‌تر زنان است و گرچه تبیین‌های مختلفی در مورد آن وجود دارد، وجه مشترک همه‌ی آنان تأکید بر جای‌گاه متفاوت زنان در ساختار اجتماعی جوامع است، باید دریافت که آیا مدرنیته تأثیری یکسان بر زنان و نگرش دینی آن‌ها خواهد گذاشت یا خیر.

برای دستیابی به هدف کلی این پژوهش، که «بررسی رابطه‌ی میان دین‌داری و نگرش نسبت به مدرنیته در میان دانشجویان زن دانشگاه شیراز و طلاب زن حوزه‌های علمیه‌ی شهر شیراز» است، اهداف زیر نیز مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

- ۱- سنجش میزان دین‌داری و تمایلات مدرن در میان پاسخ‌گویان؛
- ۲- بررسی رابطه‌ی میان دین‌داری و ابعاد مختلف آن با تمایلات مدرن پاسخ‌گویان.

¹ Woodhead, Linda

پیشینه‌ی پژوهش

آذربایجانی (۱۳۸۰) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «زمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام»، با استفاده از پرسش‌نامه، به مطالعه بر روی نمونه‌ی ۳۷۸ نفری از دانشجویان دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد، و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم در گروه سنی ۱۷ تا ۲۵ سال پرداخت و نتیجه‌ی پژوهش او نشان داد که از نظر عقاید، مناسک، و اخلاق، تفاوتی معنادار بین دانشجویان دانشگاه تهران و آزاد با طلاب حوزه وجود دارد. وجود تفاوت معنادار میان گروه‌های زن و مرد، در عامل اخلاق، و میان گروه‌های مجرد و همسردار، در هر سه عامل، از دیگر نتایج این بررسی است.

نیک‌بی و خسرو خاور (۱۳۸۴) در پژوهشی درباره‌ی «ذهنیت جوانان ایرانی»، به وسیله‌ی مصاحبه با ۳۵۰ جوان ایرانی در سه شهر تهران، قزوین، و قم، به بررسی انواع دین‌داری پرداختند. نتایج، نشان‌دهنده‌ی وجود شش نوع دین‌داری در میان جوانان ایرانی بود؛ دین‌داری عامه، که بر پایه‌ی اعتقاد به اصول و جزم‌های دینی و نیز عدم انجام تکالیف دینی است؛ دین‌داری ابزاری، که در آن اعتقاد به دین وجود ندارد، ولی برای مقاصد شخصی و به‌ویژه مقاصد سیاسی از آن استفاده می‌شود؛ دین‌داری ترکیبی نوین، که ترکیبی از اصول شیعی، اصول بودیسم، و برخی تئوری‌های روان‌شناسی است؛ دین‌داری الاهیاتی، که بر پایه‌ی فقه و شریعت است و در صورت برخورد با واقعیت‌های اجتماعی متضاد با دین به نفع شریعت موضع می‌گیرد؛ دین‌داری سکولار؛ و دین‌داری لائیک، که با رابطه میان دین و سیاست پیوند دارد. نتیجه‌ی نهایی این پژوهش‌گران بیان‌گر آن است که دین‌داری حاکم بر جوانان ایرانی دین‌داری سکولار یا مدرن است.

موحد (۱۳۸۶) در مطالعه‌ی خود با عنوان «زنان و دنیوی شدن»، به بررسی تمایلات دانشجویان دختر به فرآیند دنیوی شدن و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن بر روی نمونه‌ی ۲۴۵ نفری از دانشجویان دختر دانشگاه شیراز و دانشگاه علوم پزشکی شیراز پرداخته‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیش‌تر پاسخ‌گویان تمایلات دنیوی شدن متوسطی دارند و در میان ابعاد دنیوی شدن، بیش‌ترین تمایل پاسخ‌گویان متوجه کثرت‌گرایی، عقلانیت، و علم‌گرایی در حوزه‌ی دین است؛ هم‌چنین، میان بعضی از متغیرهای اجتماعی نظیر رشته‌ی تحصیلی، مدت حضور در دانشگاه، میزان تحصیلات مادر، و محل تولد پاسخ‌گویان با تمایل به دنیوی شدن رابطه‌ی معنادار وجود دارد.



آرمر و یوتز^۱ (۱۹۷۱) در بخشی از پژوهش خود با عنوان «آموزش رسمی و مدرنیته‌ی فردی در یک جامعه‌ی آفریقایی»^۲، به بررسی و مطالعه‌ی دو نوع مدرسه‌ی قرآنی مسلمانان و مدرسه‌ی غربی در شهر کانو^۳ در نیجریه پرداختند. نتایج نشان داد که با افزایش مدت سال‌های تحصیلی در مدرسه قرآنی، میزان گرایش‌های مدرن در افراد کاهش می‌یابد، اما میزان گرایش‌های مدرن با افزایش سال‌های تحصیلی در مدرسه‌ی غربی رابطه‌ی مثبت دارد؛ همچنین تأثیر عنصر گفته‌شده، جدا از تأثیر سایر عناصر مؤثر بر مدرنیته نظیر در معرض رسانه‌های جمعی قرار داشتن، عضویت داوطلبانه، و پیش‌زمینه‌ی شخصی بوده‌است.

کلینک‌هامر^۴ (۲۰۰۳) در مطالعه‌ی خود با عنوان «تعبیر مدرن از هویت اسلامی»^۵، به بررسی این ایده پرداخته‌است که آیا تعبیری که زنان مسلمان از هویت اسلامی خود دارند تحت تأثیر ساختارهای یک جامعه‌ی مدرن مسیحی-سکولار قرار می‌گیرند یا خیر. نتایج این مطالعه، که با روی‌کردی کیفی-تجربی و بر روی دو نسل از زنان مسلمان سنی و ترک ساکن در آلمان انجام گرفت، نشان می‌دهد که سه نوع تعبیر هویتی نزد این زنان وجود دارد؛ تعبیر انحصارگرایانه از هویت اسلامی، با هدف اسلامی کردن تمامی حوزه‌های زندگی؛ تعبیر جهانی‌سازی هویت اسلامی، با هدف یک حمایت اخلاقی و معنوی عام برای زندگی روزمره؛ و تعبیری مدرن اما سنتی‌ساز^۶، که مناسک و هنجارهای وابسته به خانواده را حفظ می‌کند. به باور این پژوهش‌گر، هر سه نوع تعبیر تماماً دارای جنبه‌های یک زندگی مدرن اند، اما نگرش‌هایی متفاوت را نسبت به انتظارات هنجارمند فردی و عقلانی‌شده جامعه‌ی غربی ارائه می‌دهند.

فیورست^۷ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ی خود با عنوان «از (هر چیزی دارای معنا است) تا (من می‌خواهم به چیزی اعتقاد داشته باشم)»^۸، به بررسی تغییر در فرهنگ دینی زنان می‌پردازد. این پژوهش بر روی دو نسل از زنان نروژی و با استفاده از یافته‌های عمده‌ی برنامه‌ی جهانی پیمایش اجتماعی^۹ در سال ۱۹۹۸ که به دین و جنسیت در نروژ پرداخته‌بود، و نیز تحلیل عمیق داستان زندگی دو زن از دو نسل متفاوت، انجام گرفته‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در جهت‌گیری مسیرهایی مانند از دین سازمان‌یافته به سوی معنویت فردی، از اعتقاد به خدای شخصی به سوی یک قدرت برتر، از دیگران به سوی خود، و از تداوم و

^۱ Armer, Michael, and Robert Youtz

^۲ "Formal Education and Individual Modernity in an African Society."

^۳ Kano (pop., 1991: 2,166,554, 2009: est. 2,359,248), Nigeria

^۴ Klinkhammer, Gritt

^۵ "Modern Constructions of Islamic Identity: The Case of Second Generation Muslim women in Germany."

^۶ Traditionalising

^۷ Furseth, Inger

^۸ "From 'Everything Has a Meaning' to 'I Want to Believe in Something': Religious Change between Two Generations of Women in Norway."

^۹ International Social Survey Programme (ISSP)

سنت به سوی چندپارگی و تکثر، تغییراتی به وجود آمده است. این تغییرات در جهت‌گیری‌های دینی، با زمینه‌های تاریخی متفاوت، سطح مدرنیزاسیون، نقش‌های جنسیتی تغییر یافته، و تفاوت در ارزش‌های فرهنگی در ارتباط بوده است.

مبانی نظری

تعدادی از اندیش‌مندان، که دین‌داری افراد را با استفاده از محرومیت مادی تبیین می‌کنند، بر این باور اند که مدرنیته، به واسطه‌ی پیشرفت عقلانیت و صنعتی شدن، سبب افزایش امکانات و در نتیجه کاهش محرومیت در ابعاد مادی و غیرمادی زندگی شده است؛ بنا بر این، هرچه یک فرد، از طریق فعالیت در نهادهای مدرن جامعه، مدرن‌تر شود، نگرش دنیوی وی نیز افزایش می‌یابد و به همین دلیل است که زنان خانه‌دار از تأثیر دنیوی‌ساز مدرنیته بیش‌تر در امان خواهند ماند (والتر و دیوی^۱ ۱۹۹۸).

شکرالله^۲ (۲۰۰۱) معتقد است که تأثیر مدرنیزاسیون بر تغییر روابط خانوادگی و فروپاشی ساختارهای حمایتی اشتراکی باعث می‌شود که نبود قدرت پدرسالارانه با نبود عمومی هویت مشخص شود و این امر با قرار دادن زنان در مرکز بازسازی اجتماعی، به گونه‌ی قابل‌ملاحظه نقش و موقعیت آنان را در جامعه دست‌خوش تغییر می‌کند. از نظر وی، حاکمیت نهادهای دنیوی در حوزه‌ی عمومی ممکن است به توافق و سازش با نهادهای دینی در حوزه خصوصی زندگی، که فضای اولیه‌ی زنان است، منجر شود.

سرد^۳ (۱۹۹۰) معتقد است که باورهای دینی زنان در برخورد با جهان مدرن وضعیتی دوگانه دارد؛ از یک سو به دلیل عواملی مانند تهاجم‌های نهادینه‌شده علیه زنان، تعریف مردانگی به عنوان هنجار، ساختن قلمروی دینی به عنوان فضایی مردانه، و نیز تضعیف برخی از حوزه‌های تجربه‌ی سنتی زنان آسیب‌پذیر است و از سوی دیگر به دلیل پیوند با تلقی مبلغان، کشیشان، سیاست‌مداران، و انسان‌شناسان از ساختار و اهداف دین، استوار و خلاق است. به تعبیر این افراد، باورهای دینی زنان، خانگی، شخصی، پنهان، و در نهایت انعطاف‌پذیر انگاشته می‌شود و به اعتقاد سرد نیز از آن‌جا که زنان به دلیل عدم دست‌رسی مستقیم به متون مقدس بیش‌تر در حاشیه‌ی دین نهادینه‌شده قرار دارند، راحت‌تر می‌توانند از مناسک کهن دست کشیده، مناسک جدید را بپذیرند.

¹ Walter, Tony, and Grace Davie

² Shukrallah, Hala

³ Sered, Susan Starr



مارکس^۱، با توجه به این که دین را حقیقتی روبنایی و فاقد استقلال کافی در برابر زیربنای مادی جامعه می‌دید، آن را به پدیده‌یی با پاره‌یی تأثیرات اجتماعی-سیاسی تقلیل داد (ویلیم^۲ ۱۳۷۷). مباحث مارکس در مورد دین متوجه پدیده‌ی ازخودبیگانگی است، که آن را الگویی نظام‌مند از باورها (ایدئولوژی) و نتیجه‌ی آگاهی کاذب می‌دانست (تامپسون و جونز^۳ ۱۳۸۱). از نظر وی، طبقه‌یی که دارای نیروی مادی چیره بر جامعه است، نیروی فکری چیره‌ی آن نیز به شمار می‌رود و طبقه‌یی که ابزار تولید مادی را در دست دارد، بر ابزار تولید ذهنی نیز تأثیر می‌گذارد (کوزر^۴ ۱۳۷۳). این نظر، با اندکی تغییر، برای مقوله‌ی جنسیت نیز قابل‌اعمال است؛ به عبارت دیگر، از آن جا که قدرت‌مندان جامعه معمولاً مردان اند، دین به منافع مردان خدمت می‌رساند (تافت ۱۹۹۵)؛ پس می‌توان گفت که بر پایه‌ی نظریه‌ی مارکس، دین‌داری بیش‌تر زنان در جوامع، با آگاهی کاذب آنان، که ناشی از شکاف جنسیتی موجود در جوامع است، پیوند دارد.

وبر^۵ معتقد است که رفتار انسان‌ها را باید بر اساس معنایی که در ورای آن قرار دارد درک کرد. رفتار انسان‌ها در جوامع گوناگون در چهارچوب کلی درک آنان از هستی قابل‌فهم است و از آن جا که اصول جزمی دینی و تعابیر آن‌ها بخشی از این جهان‌بینی است، درک رفتار افراد و گروه‌ها ناگزیر در گروهی فهم باورهای دینی آنان است (آرون^۶ ۱۳۶۴). از نظر وبر، مدرنیته، که با گسترش عقلانیت ابزاری به تمامی حوزه‌های زندگی و تحدید عقلانیت ارزشی به حوزه‌ی گزینش فردی و ایمان همراه است، سبب افسون‌زدایی از جهان می‌شود و این فرآیند روبه‌گسترش عقلانیت و جدایی فرهنگی، موجب تکثری ارزشی می‌شود که هر کوششی را برای ایجاد سازگاری و آشتی میان حوزه‌های ارزشی متفاوت غیرممکن می‌سازد. وبر معتقد است که در دوران مدرن، آیین چندخدایی ارزش‌ها، جای‌گزین وحدت ارزشی سنتی می‌شود و دیگر نه خدا، نه طبیعت، و نه علم، نمی‌توانند حوزه‌های ارزشی جداگانه و متعارض را دوباره وحدت بخشند و یا به جهان معنا دهند؛ بر این اساس، فرد دست به گزینش ارزش‌هایی متضاد می‌زند که معنایشان را از منابع استعلایی اعتبار به دست نمی‌آورند (واترز^۷ ۱۳۸۱). وی با مفروض گرفتن نابرابری نقش‌های جنسیتی، توسعه‌ی دینی را شامل افزایش درجه‌ی تعقل و استدلال می‌داند و با تحلیل اخلاق کاری پروتستانی، پروتستانیسیم عقلانی مردانه را در مقابل آن چه جادویی، احساسی، و زنانه است قرار

¹ Marx, Karl (Heinrich) (1818–1883) و انقلابی آلمانی و نگه‌پرداز اقتصادی، و

² Jean-Paul Willaime

³ Thompson, Kenneth, and Kenneth Jones

⁴ Coser, Lewis A.

⁵ Weber, Max (Maximilian Carl Emil) (1864–1920) جامعه‌شناس و اقتصاددان سیاسی آلمانی

⁶ Aaron, Raymond

⁷ Waters, Malcolm

می‌دهد. از نظر وبر، دین با ظلم به زنان به نفع تمدن صنعتی مدرن کار می‌کند (تافت ۱۹۹۵).

از نظر دورکیم^۱، باورها، مناسک، و وجودهای مقدسی که در جامعه تعیین می‌شوند، منعکس‌کننده‌ی ساختارهای اجتماعی اند که در آن‌ها رشد می‌کنند (جلالی مقدم ۱۳۷۹). از نظر وی با دگرگونی جوامع از انسجام مکانیکی به انسجام ساخت‌مند (ارگانیک)، نفوذ دین رو به کاهش گذاشته، تبیین علمی بیش از پیش جای‌گزین تبیین دینی می‌شود. در چنین حالتی، اعمال تشریفاتی و شعائر، تنها بخشی کوچک از زندگی افراد را تشکیل می‌دهند (گیدنز^۲ ۱۳۸۲). دورکیم با تأکید بر حمایت از سلسله مراتب اجتماعی، به عنوان یکی از کارکردهای عمده‌ی دین، معتقد بود دین توجیه‌کننده‌ی نقش‌های اجتماعی سنتی، از جمله نقش‌های جنسیتی است. دین برای ایجاد تمایزی اساسی میان قلمروی مقدس و دنیوی، زنان را از قلمروی امور مقدس خارج کرده‌است و مردان، که هویت‌شان به وسیله‌ی دین تقدس یافته، از طریق جامعه‌ی مقدس مردانه‌ی وابسته به یک فرهنگ، وارد قلمرو مقدس شده‌اند. دورکیم معتقد است که اساس تمدن نوین، بر پایه‌ی سرکوب زنان به وسیله‌ی دین شکل گرفته‌است (تافت ۱۹۹۵).

وودهد (۲۰۰۲؛ ۲۰۰۳)، که علت اساسی دین‌داری بیش‌تر زنان را در این می‌داند که دین به آن‌ها فضای اجتماعی لازم جهت ارائه‌ی ترس‌ها و تمایلات‌شان را می‌دهد، توجه خود را معطوف به ماهیت و گستره‌ی تمایز اجتماعی، یعنی شیوه‌های تقسیم فعالیت‌های اجتماعی بین نهادهای متفاوت، شیوه‌ی ارتباط دین با این تقسیم‌بندی‌ها، و نیز ماهیت و گستره‌ی مشارکت زنان در این گونه قلمروها و یا نهادهای اجتماعی متفاوت می‌کند. به عقیده‌ی او، به دلیل آن که زنان عموماً از قلمروی عمومی خارج نگاه داشته‌شده‌اند، ممکن است از محدودیت‌های قفس آهنین یا احساس بی‌هنجاری و بی‌معنایی رنج برند و از دسترس تنظیمات غیرشخصی عقلانیت و منافع مالی جدا مانند. اگر زنان در درون قلمروی خانگی کار و زندگی کنند، پس احتمال دارد که دین‌شان با این زندگی رابطه‌ی بسیار نزدیک برقرار کند و یکی از پی‌آمدهای این امر، زندانی شدن آنان در قلمروی خانگی شود؛ چرا که آن‌ها می‌توانند نمادها و حاملان اصلی هویت سنتی باشند؛ در حالی که مابقی جامعه‌ی پیرامون آن‌ها مدرن می‌شود. با این وجود، بیش‌تر اوقات زنان قادر بوده‌اند تا با استفاده از اشکال دنیوی‌شده‌ی موجود در فرآیند نوسازی، از دین جهت راه‌یابی به فضاها و فرصت‌های اجتماعی جدید سود جویند؛ در واقع ادیان روزگار مدرن به تدبیر و تقدیس

^۱ Durkheim, Émile (1858–1917) دانش‌مند علوم اجتماعی فرانسوی

^۲ Giddens, Anthony



قلمروی خانگی کمک می‌کنند و همین کارکرد را در مورد اشکال کم‌تر سازمان‌یافته‌ی دوستی و نزدیکی نیز انجام می‌دهند. از نظر وودهد، در جوامع کم‌تر تمایز یافته‌ی غیر غربی، به‌ویژه در جوامع اسلامی، به دلیل نبود تمایز دقیق میان قلمروی عمومی و خصوصی، ادیان در بیش‌تر موارد نقشی سازنده‌تر را در فرآیند نوسازی ایفا می‌کنند؛ پس بر خلاف غرب، که نوسازی در آن درونی و در ابتدا مردانه بود، در جوامع اسلامی فرآیند نوسازی می‌تواند وظیفه‌ی همگانی تلقی شود و راه خود را با پیروی آگاهانه از مسیری اسلامی، و نه غربی، ادامه دهد؛ بنا بر این به نظر می‌رسد در جوامعی که زنان نقش‌های اجتماعی برجسته‌تری ایفا می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که دین در دوران مدرن هم به همان اندازه‌ی دوره‌ی سنت مهم باشد و خصوصی شدن دین زیر سؤال رود. در این نوع جوامع، دین ممکن است اشکال زنانه‌تر و ارتباطی‌تر نیز به خود بگیرد.

از آن جا که بحث مربوط به رابطه‌ی میان دین و مدرنیته پیوندی نزدیک با رابطه‌ی میان حوزه و دانشگاه دارد، در درون بیش‌تر کشورهای اسلامی، این دو نهاد، یعنی نظام آموزشی مبتنی بر آرا و اندیشه‌های غربی، که دانشگاه در رأس آن‌ها قرار دارد، و حوزه‌های دینی که در آن‌ها طلاب به آموختن موضوعات اسلامی مشغول اند، به رقابت با یک‌دیگر پرداختند، اما در ایران دانشگاه در یک گسست تقریباً کامل از نهادهای آموزشی گذشته شکل گرفت و از همان ابتدا با تبدیل شدن به مهم‌ترین ابزار اشاعه و پیش‌برد نظام‌های ارزشی مدرن، فرهنگ و عقایدی را پروراند که در مواردی با فرهنگ و ارزش‌های مرسوم و برگرفته از دین و سنت ناهم‌سویی داشت. این امر به تنش میان دو نهاد آموزشی غربی و سنتی دامن زد و میان این نهادهای آموزشی و نهادهای دینی تنش و تنازعی همیشگی برقرار کرد (نصر ۱۳۷۳؛ رجب‌زاده ۱۳۸۱).

نهادهای آموزشی از جمله عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نگرش‌ها به شمار می‌روند و وجود دو نظام آموزشی متفاوت و مستقل حوزه و دانشگاه در ایران نیز توانسته‌است گرایش‌هایی متفاوت در افراد ایجاد کند. حوزه، به عنوان نهاد آموزشی سنتی، ریشه در فرهنگ اسلامی دارد و هماهنگ با ارزش‌های دینی عمل می‌کند و دانشگاه، که در تقابل با سنت و نیروهای اجتماعی قدرت‌مند سنتی مانند روحانیت شکل گرفته، در خدمت مدرنیته عمل کرده‌است. ایران، هم‌چنان که وودهد (۲۰۰۲؛ ۲۰۰۳) می‌گوید، به عنوان یکی از جوامع اسلامی دارای ویژگی عدم تفکیک قلمروی خصوصی و عمومی دین، نقشی سازنده‌تر در فرآیند مدرن‌سازی جامعه داشته‌است و حوزه‌های دینی، به عنوان نهاد متولی اشاعه و تداوم دین‌داری، برای حفظ هویت مستقل جامعه‌ی ایران در مقابل الگوهای مدرن غربی مقاومت

کرده‌اند. زنان نیز به عنوان قشری که حامل اصلی هویت سنتی جامعه اند، جهت راه‌یابی به فرصت‌های اجتماعی به‌وجودآمده، با بهره‌مندی از دین و با حضور در حوزه‌ها و دست‌یابی به آموزش‌های دینی، از دین‌داری بیش‌تری برخوردار شدند.

با توجه به نقش برجسته‌ی زنان، به عنوان حاملان فرهنگ، و بالا بودن میزان دین‌داری آنان، که از جمله عوامل تأثیرگذار در فرآیند مدرن‌سازی جامعه به شمار می‌رود، در این پژوهش، زنان به عنوان نمونه، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

فرضیه‌ها

- ۱- به نظر می‌رسد میان محل تحصیل و دین‌داری و ابعاد مختلف آن رابطه‌ی معنادار وجود داشته‌باشد.
- ۲- به نظر می‌رسد میان محل تحصیل و نگرش مدرن و ابعاد مختلف آن رابطه‌ی معنادار وجود داشته‌باشد.
- ۳- به نظر می‌رسد میان ابعاد مختلف دین‌داری و جهت‌گیری سکولار نگرش مدرن رابطه‌ی معنادار وجود داشته‌باشد.
- ۴- به نظر می‌رسد میان ابعاد مختلف دین‌داری و جهت‌گیری علم‌گرایانه‌ی نگرش مدرن رابطه‌ی معنادار وجود داشته‌باشد.
- ۵- به نظر می‌رسد میان ابعاد مختلف دین‌داری و جهت‌گیری عام‌گرایانه‌ی نگرش مدرن رابطه‌ی معنادار وجود داشته‌باشد.
- ۶- به نظر می‌رسد میان ابعاد مختلف دین‌داری و جهت‌گیری استقلال‌طلبانه‌ی نگرش مدرن رابطه‌ی معنادار وجود داشته‌باشد.
- ۷- به نظر می‌رسد میان ابعاد مختلف دین‌داری و جهت‌گیری شهروندی نگرش مدرن رابطه‌ی معنادار وجود داشته‌باشد.
- ۸- به نظر می‌رسد میان ابعاد مختلف دین‌داری و نگرش مدرن رابطه‌ی معنادار وجود داشته‌باشد.

روش‌شناسی

به نظر می‌رسد که دانشگاه در ایران به عنوان سازمانی در خدمت اصول و اهداف مدرنیته عمل کرده و در مقابل نهادهای سنتی جامعه قرار گرفته‌است، پس می‌توان نتیجه گرفت که افراد پرورش‌یافته در چنین سازمانی (دانشجویان)، ناگزیر باید در مقابل افراد پرورش‌یافته در



نهادی سنتی نظیر حوزه قرار بگیرند؛ بر این اساس، با توجه به چهارچوب نظری پژوهش و با هدف مقایسه میان حوزه و دانشگاه، نمونه‌ی مورد مطالعه از میان دانشجویان زن شاغل به تحصیل در دانشگاه و همچنین طلاب زن حوزه‌های علمیه انتخاب شده‌اند. روش مورد استفاده در این پژوهش روش پیمایشی است و از پرسش‌نامه به منظور گردآوری اطلاعات استفاده شده‌است. جامعه‌ی آماری پژوهش را دانشجویان زن شاغل به تحصیل در دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ و همچنین طلاب زن حوزه‌های علمیه‌ی شهر شیراز تشکیل می‌دهند. گفتنی است که در میان طلاب دختر تمام‌شماری صورت گرفت و در مقابل به تعداد مساوی آنان و به صورت تصادفی، دانشجویان دختر انتخاب شدند، که با حذف تعدادی از پرسش‌نامه‌های ناقص، حجم نمونه‌ی پژوهش به ۲۹۴ نفر (۴۹/۷ درصد زنان حوزوی و ۵۱/۳ درصد دانشجو) رسید.

متغیر مستقل این مطالعه دین‌داری است، که برای سنجش آن از مقیاس دین‌داری گلاک و استارک استفاده شده‌است. این مقیاس دارای پنج بعد است و با توجه به شرایط خاص فرهنگی و نوع آموزش در ایران، بعد فکری آن حذف شد (سراج‌زاده ۱۳۸۳):

بُعد عقیدتی (باورهای دینی) - باورهایی که انتظار است پیروان یک دین به آن‌ها اعتقاد داشته‌باشند؛ برای مثال در مورد اسلام، اعتقاد به وجود خدا، وجود شیطان، فرشتگان و دیگر مفاهیم.

بُعد تجربی (عواطف دینی) - این بعد به درک و آگاهی مستقیم از واقعیت غایی و عواطف و احساسات دینی ناشی از آن، نظیر ستایش، تواضع، و ترس می‌پردازد.

بُعد مناسکی (اعمال دینی) - منظور اعمال و مناسکی است که انتظار است پیروان یک دین آن‌ها را انجام دهند؛ برای مثال در مورد اسلام، نماز، روزه، زکات، و مانند آن.

بُعد پی‌آمدی (آثار دینی) - به تأثیر باورها، تجارب، اعمال، و دانش‌های دینی بر روی پیروان یک آیین، که رابطه‌ی فرد را با دیگران متأثر می‌سازد، می‌پردازد؛ مثلاً تحریم مشروبات الکلی، حجاب، و نظایر آن در اسلام.

برای سنجش متغیر وابسته‌ی نگرش مدرن، از مقیاس *شارما*^۱ (۱۹۷۹) استفاده شده، که دارای پنج جهت‌گیری است:

جهت‌گیری سکولار - گرایش به کاهش اقتدار دین از قلمروهای نهادی مختلف مثل نهادهای زناشویی، آموزشی، اقتصادی، و مانند آن؛ با این نتیجه که نفوذ دین بر روابط بین‌شخصی و کنش جمعی کاهش یابد.

^۱ Sharma, S. L

جهت‌گیری علمی- گرایش به فهم جهان بر پایه‌ی نقش شواهد، ادله، و اثبات به جای خرد گذشته.

جهت‌گیری عام‌گرایانه- گرایش به برتری هنجارهای غیرشخصی عام و جهانی در اجرای نقش عمومی، که در مقابل وفاداری‌های خاص‌گرایانه به خویشاوندان، کاست، دوستان، و مانند آن قرار می‌گیرد.

جهت‌گیری استقلال‌طلبانه- نگرش نسبت به آزادی از فشارها و محدودیت‌های ساختاری اقتدار سنتی.

جهت‌گیری شهروندی- تمایل به آگاهی از اخبار ملی و بین‌المللی و نیز آگاهی از مسائلی که در مقابل ملت و جامعه‌ی بین‌المللی قرار دارد.

یافته‌ها

این مطالعه بین ۲۹۴ نفر از دختران دانشجو (۱۴۸ نفر) و طلبه‌ی حوزه‌های علمیه (۱۴۶ نفر) انجام شده‌است. ۷۸/۷ درصد دانشجویان در گروه سنی ۱۸ تا ۲۱ قرار دارند، میانگین سن آن‌ها حدود ۲۱ سال، و حداکثر سن ۲۶ سال است؛ در حالی که این نسبت برای طلاب حدود ۲۲ سال و حداکثر سن در میان آنان ۳۸ است. در میان طلاب حوزوی، تمامی پاسخ‌گویان در مقطع تحصیلی مقدمات مشغول به تحصیل اند و در دانشگاه، مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکترا، به ترتیب ۸۳/۱، ۱۴/۹، و ۲/۰ درصد دانشجویان را در خود جای داده‌اند. از میان دانشجویان، ۴۵/۹ درصد در رشته‌های علوم انسانی، ۲۶/۴ درصد در کشاورزی، ۱۳/۵ درصد در علوم پایه، و ۱۴/۲ درصد در رشته‌های مهندسی مشغول به تحصیل اند. در میان طلاب حوزوی، ۴۱/۱ درصد همسر دار و ۵۸/۹ درصد مجرد اند، و در میان دانشجویان ۸/۱ درصد همسر دار، ۹۰/۵ درصد مجرد، و ۱/۴ درصد مطلقه اند.

توزیع درصدی میزان دین‌داری پاسخ‌گویان در جدول ۱ آمده‌است. در مورد بُعد اعتقادی دین‌داری (شامل ده گویه)، همان گونه که مشاهده می‌شود، زنان حوزوی در مقایسه با زنان دانشجو دارای اعتقادات دینی بالاتری اند. حدود ۲۱ درصد دانشجویان، از نظر اعتقادی در طبقه‌ی پایین قرار می‌گیرند (حدود ۲۰ برابر زنان حوزوی) و ۲۶ درصد طلاب، اعتقادات دینی بالا دارند (حدود ۴ برابر دانشجویان). در بُعد تجربی (شامل شش گویه)، ۱۶/۲ درصد دانشجویان، در مقابل تنها ۰/۷ درصد طلاب، دارای نمره‌ی پایین اند و نسبت طلابی که از این بُعد نمره‌ی بالا گرفته‌اند حدود دو برابر دانشجویان است. در مورد بُعد



مناسکی و پی‌آمدی نیز، نسبت زنان حوزوی. دارای نمره‌های بالا، بیش‌تر از زنان دانشجو است؛ پس به طور کلی، میزان دین‌داری طلاب زن، در مقایسه با همتایان خود در دانشگاه، بسیار بالاتر است. آلفای کرون‌باخ ابعاد دین‌داری و کل مقیاس دین‌داری نیز بیان‌گر بالا بودن پایایی گویه‌های این مقیاس است.

جدول ۱- پراکنش درصدی نمره‌ی پاسخ‌گویان از مقیاس دین‌داری و ابعاد آن

ابعاد دین‌داری	محل تحصیل	نمره درصد			تعداد گویه	آلفای کرون‌باخ
		پایین	متوسط	بالا		
اعتقادی	حوزه	۱/۴	۷۲/۶	۲۶/۰	۱۰	۰/۸۲۲۹
	دانشگاه	۲۰/۳	۷۳/۰	۶/۸		
تجربی	حوزه	۰/۷	۵۲/۱	۴۷/۳	۶	۰/۸۱۱۲
	دانشگاه	۱۶/۲	۶۳/۵	۲۰/۳		
مناسکی	حوزه	۰/۰	۶۱/۰	۳۹/۰	۹	۰/۸۸۷۹
	دانشگاه	۳۱/۸	۶۲/۸	۵/۴		
پی‌آمدی	حوزه	۰/۰	۷۴/۷	۲۵/۳	۸	۰/۸۱۰۴
	دانشگاه	۲۸/۴	۶۶/۲	۵/۴		
دین‌داری	حوزه	۰/۰	۷۹/۵	۲۰/۵	۳۳	۰/۹۴۰۲
	دانشگاه	۲۸/۴	۶۷/۶	۴/۱		

توزیع درصدی نوع نگرش پاسخ‌گویان نسبت به مدرنیته و ابعاد آن در جدول ۲ آمده‌است. در مورد بعد سکولار نگرش مدرن (شامل پنج گویه)، همان گونه که درصدها نشان می‌دهد، زنان دانشجو، در مقایسه با زنان حوزوی، دارای نگرشی سکولارتر اند؛ به گونه‌یی که در مقابل کم‌تر از یک‌درصد زنان حوزوی، ۲۰/۳ درصد دانشجویان دارای بالاترین نمره‌های مربوط به این جهت‌گیری اند. در مورد دو بعد علم‌گرایانه و استقلال‌طلبانه نیز دانشجویان نمره‌هایی بالاتر را به دست آورده‌اند، اما در مورد دو بعد عام‌گرایی و شهروندی وضعیت تا حدودی متفاوت است. در این دو بعد، نسبت زنان حوزوی که از این مقیاس‌ها نمره‌یی بالا گرفته‌اند بیش‌تر از دانشجویان است. دلیل این مسأله را شاید بتوان در حساسیت بیش‌تر طلاب نسبت به عام‌گرایی و روحیه‌ی شهروندی در محتوای مباحث مطرح‌شده در حوزه، و نیز بی‌تفاوتی دانشجویان نسبت به این موارد، در اثر شرایط دانشگاه‌ها و فضای سیاسی موجود در جامعه‌ی ایران جست‌وجو کرد.

در مجموع، نتایج بیان‌گر بالاتر بودن نگرش مدرن دانشجویان، در مقایسه با همتایان خود در حوزه، است و آلفای کرون‌باخ نیز بالا بودن پایایی گویه‌های ابعاد نگرش مدرن و کل مقیاس نگرش مدرن را تأیید می‌کند.

جدول ۲- پراکنش درصدی نمره‌ی پاسخ‌گویان از مقیاس نگرش مدرن و ابعاد آن

ابعاد نگرش مدرن	محل تحصیل	نمره درصد		تعداد گویه	الفای کرون باخ
		پایین	متوسط بالا		
سکولار	حوزه	۰/۷	۷۱/۹	۵	۰/۷۵۵۱
	دانشگاه	۲۰/۳	۷۷/۷		
علم‌گرایانه	حوزه	۴/۱	۷۷/۴	۵	۰/۴۴۹۴
	دانشگاه	۱۷/۶	۶۷/۶		
عام‌گرایانه	حوزه	۲۳/۳	۷۲/۶	۵	۰/۷۰۴۱
	دانشگاه	۱۵/۵	۶۱/۵		
استقلال‌طلبانه	حوزه	۶/۸	۷۵/۳	۵	۰/۵۷۲۵
	دانشگاه	۱۰/۸	۸۱/۱		
شهروندی	حوزه	۲۴/۷	۶۹/۹	۴	۰/۶۹۱۰
	دانشگاه	۱۰/۸	۷۰/۳		
نگرش مدرن	حوزه	۲/۷	۸۴/۹	۲۴	۰/۶۸۹۳
	دانشگاه	۲۰/۹	۶۸/۹		

یافته‌های استنباطی

به منظور بررسی رابطه‌ی میان محل تحصیل و دین‌داری و ابعاد مختلف آن از آزمون تی استفاده شد، که نتایج آن در جدول ۳ آمده‌است. مقایسه‌ی میانگین‌ها نشان می‌دهد که زنان حوزوی، هم در ابعاد دین‌داری، به‌ویژه در بعد مناسکی، و هم در مجموع مقیاس دین‌داری، از نمره‌هایی بالاتر، در مقایسه با دانشجویان، برخوردار اند. تفاوت موجود در میزان دین‌داری پاسخ‌گویان و ابعاد مختلف آن در میان طلاب و دانشجویان مورد مطالعه، از لحاظ آماری، کاملاً معنادار است.

جدول ۳- آزمون تفاوت میانگین میزان دین‌داری و ابعاد آن بر حسب محل تحصیل

ابعاد دین‌داری	محل تحصیل	میانگین	انحراف استاندارد	معناداری آزمون لوین	درجه‌ی آزادی	T	سطح معناداری
اعتقادی	حوزه	۴۷/۶۱	۲/۵۲	۰/۰۰۰	۲۰۴/۸۴۴	۹/۳۳۶	۰/۰۰۰
	دانشگاه	۴۲/۹۰	۵/۶۰				
تجربی	حوزه	۲۸/۷۳	۱/۶۹	۰/۰۰۰	۲۰۹/۵۴۲	۸/۰۰۱	۰/۰۰۰
	دانشگاه	۲۶/۱۱	۳/۶۰				
مناسکی	حوزه	۴۰/۶۶	۳/۵۰	۰/۰۰۰	۲۱۸/۰۹۵	۱۵/۹۱۹	۰/۰۰۰
	دانشگاه	۳۰/۴۷	۶/۹۴				
پی‌آمدی	حوزه	۳۶/۷۱	۲/۶۹	۰/۰۰۰	۲۱۳/۷۷۰	۱۲/۹۴۶	۰/۰۰۰
	دانشگاه	۳۰/۱۶	۵/۵۲				
دین‌داری	حوزه	۱۵۳/۸۱	۷/۱۹	۰/۰۰۰	۱۹۲/۲۱۱	۱۴/۹۹۹	۰/۰۰۰
	دانشگاه	۱۲۹/۶۵	۱۸/۲۲				



رابطه‌ی میان محل تحصیل و نگرش مدرن و ابعاد مختلف آن در جدول ۴ به تصویر کشیده شده است. مقایسه‌ی میانگین‌های دو گروه نشان می‌دهد که بیش‌ترین تفاوت میانگین، متعلق به بعد سکولار و کل نگرش مدرن است و به جز بعد عام‌گرایانه، در مابقی موارد، دانشجویان، نسبت به طلاب، از نگرشی مدرن‌تر برخوردار اند. تفاوت موجود در نگرش مدرن و ابعاد مختلف آن در میان پاسخ‌گویان نیز، از لحاظ آماری، کاملاً معنادار است.

جدول ۴- آزمون تفاوت میانگین نگرش مدرن و ابعاد آن بر حسب محل تحصیل

ابعاد نگرش مدرن	محل تحصیل	میانگین	انحراف استاندارد	معناداری آزمون لوین	درجه‌ی آزادی	T	سطح معناداری
سکولار	حوزه	۷,۱۴	۲,۰۸	۰,۰۰۰	۲۲۷,۷۷۴	-۱۳,۲۷۱	۰,۰۰۰
	دانشگاه	۱۱,۹۰	۳,۸۲				
علم‌گرایانه	حوزه	۱۵,۶۴	۲,۷۵	۰,۰۰۶	۲۸۳,۴۷۱	-۴,۷۴۴	۰,۰۰۰
	دانشگاه	۱۷,۳۲	۳,۳۲				
عام‌گرایانه	حوزه	۲۲,۳۳	۲,۴۲	۰,۰۰۰	۲۵۴,۶۰۳	۶,۲۹۳	۰,۰۰۰
	دانشگاه	۲۰,۰۵	۳,۶۸				
استقلال‌طلبانه	حوزه	۱۵,۸۶	۲,۴۵	۰,۰۷۹	۲۹۲,۰۰۰	-۳,۲۲۰	۰,۰۰۱
	دانشگاه	۱۶,۷۳	۲,۲۰				
شهروندی	حوزه	۱۶,۷۴	۲,۰۹	۰,۲۳۴	۲۹۲,۰۰۰	۴,۷۷۶	۰,۰۰۰
	دانشگاه	۱۵,۴۱	۲,۶۴				
نگرش مدرن	حوزه	۷۷,۷۱	۶,۳۱	۰,۰۰۰	۲۵۵,۱۸۱	-۳,۹۲۸	۰,۰۰۰
	دانشگاه	۸۱,۴۲	۹,۵۶				

به منظور آزمون رابطه‌ی میان ابعاد مختلف دین‌داری و جهت‌گیری سکولار نگرش مدرن، از برازش چندمتغیره استفاده شد و همان گونه که جدول ۵ نشان می‌دهد، میزان هم‌بستگی میان تمام ابعاد دین‌داری و جهت‌گیری سکولار، ۰,۸۰۲ و بیان‌گر وجود رابطه‌ی قوی بین ابعاد دین‌داری و جهت‌گیری سکولار است؛ همچنین درمی‌یابیم که این چهار بعد، در مجموع، ۶۴,۳ درصد واریانس جهت‌گیری استقلال‌طلبانه را در جمعیت نمونه، و ۶۳,۸ درصد این واریانس را در جمعیت کل تبیین می‌کنند. یافته‌های موجود در جدول برای تمام ابعاد، نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معکوس با نگرش سکولار است و با افزایش دین‌داری در تمام ابعاد آن، از نمره‌ی نگرش سکولار کاسته می‌شود. در این میان، بیش‌ترین میزان رابطه، متعلق به بعد پی‌آمدی (۰,۲۲۴)، و کم‌ترین میزان رابطه متعلق به بعد تجربی دین‌داری (۰,۰۶۸) است. به غیر از بعد تجربی، دیگر ابعاد دین‌داری دارای رابطه‌ی معنادار با این بعد از نگرش مدرن اند.

جدول ۵- برآزش چندمتغیره‌ی آزمون رابطه‌ی ابعاد دین‌داری با جهت‌گیری سکولار نگرش مدرن

ابعاد دین‌داری	B	انحراف معیار β	T	سطح معناداری
اعتقادی	-۰/۰۹۳	۰/۰۴۷	-۱/۹۸۴	۰/۰۴۸
تجربی	-۰/۰۶۸	۰/۰۷۵	-۰/۹۰۸	۰/۳۶۴
مناسکی	-۰/۲۰۸	۰/۰۳۴	-۶/۱۳۲	۰/۰۰۰
پی‌آمدی	-۰/۲۲۴	۰/۰۴۴	-۵/۰۸۰	۰/۰۰۰

$$R = ۰/۸۰۲; R^2 = ۰/۶۴۳; \text{ Adjusted } R^2 = ۰/۶۳۸; F = ۱۳۰/۲۶۵; \text{ Sig.} = ۰/۰۰$$

آزمون رابطه میان ابعاد مختلف دین‌داری و جهت‌گیری علم‌گرایانه‌ی نگرش مدرن در جدول ۶ به تصویر کشیده شده‌است. همان‌گونه که یافته‌ها نشان می‌دهد، رابطه‌ی پیوستگی میان تمام ابعاد دین‌داری و جهت‌گیری علم‌گرایانه، ۰/۳۵ و بیان‌گر وجود رابطه‌ی ضعیف است. این چهار بعد، در مجموع، ۱۲/۷ درصد واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه، و ۱۱/۵ درصد را در جمعیت کل تبیین می‌کنند. همچنین یافته‌ها بیان‌گر وجود رابطه‌ی معکوس بین متغیرها (به جز بعد اعتقادی) است و بیش‌ترین میزان رابطه متعلق به بعد تجربی و کم‌ترین میزان متعلق به بعد اعتقادی دین‌داری است. در این میان تنها بعد مناسکی دین‌داری دارای رابطه‌ی معنادار با علم‌گرایی است.

جدول ۶- برآزش چندمتغیره‌ی آزمون رابطه‌ی ابعاد دین‌داری با جهت‌گیری علم‌گرایانه‌ی نگرش مدرن

ابعاد دین‌داری	B	انحراف معیار β	T	سطح معناداری
اعتقادی	۰/۰۱۱	۰/۰۶۰	۰/۱۷۸	۰/۸۵۹
تجربی	-۰/۱۴۰	۰/۰۹۶	-۱/۴۶۲	۰/۱۴۵
مناسکی	-۰/۰۹۴	۰/۰۴۳	-۲/۱۸۶	۰/۰۳۰
پی‌آمدی	-۰/۰۲۸	۰/۰۵۶	-۰/۴۹۸	۰/۶۱۹

$$R = ۰/۳۵۶; R^2 = ۰/۱۲۷; \text{ Adjusted } R^2 = ۰/۱۱۵; F = ۱۰/۴۹۸; \text{ Sig.} = ۰/۰۰$$

جدول ۷ آزمون رابطه‌ی میان ابعاد مختلف دین‌داری و جهت‌گیری عام‌گرایانه‌ی نگرش مدرن را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میزان هم‌بستگی میان تمام ابعاد دین‌داری و عام‌گرایی، ۰/۴۲۸ است و این چهار بعد، در مجموع، ۱۸/۳ درصد واریانس این بعد از نگرش مدرن را در جمعیت نمونه و ۱۷/۲ درصد این واریانس را در جمعیت کل تبیین می‌کنند، که این مسأله مؤید فرضیه‌ی مطرح‌شده است. تمام ابعاد (به‌جز بعد پی‌آمدی) دارای رابطه‌ی مثبت و مستقیم با متغیر وابسته است و به غیر از بعد پی‌آمدی، در مابقی ابعاد دین‌داری، با افزایش نمره‌ی دین‌داری، از نمره‌ی جهت‌گیری عام‌گرایانه کم می‌شود.



بیش‌ترین میزان تأثیر بر متغیر وابسته‌ی این فرضیه، متعلق به بعد مناسکی، و کم‌ترین میزان متعلق به بعد تجربی است.

جدول ۷- برازش چندمتغیره‌ی آزمون رابطه‌ی ابعاد دین‌داری با جهت‌گیری عام‌گرایانه‌ی نگرش مدرن

ابعاد دین‌داری	B	انحراف معیار β	T	سطح معناداری
اعتقادی	۰/۱۱۰	۰/۰۶۰	۱/۸۱۸	۰/۰۷۰
تجربی	۰/۰۸۹	۰/۰۹۷	۰/۹۱۷	۰/۳۶۰
مناسکی	۰/۱۳۳	۰/۰۴۴	۳/۰۴۶	۰/۰۰۳
پی‌آمدی	-۰/۰۵۲	۰/۰۵۷	-۰/۹۰۹	۰/۳۶۴

$$R = ۰/۴۲۸; R^2 = ۰/۱۸۳; \text{Adjusted } R^2 = ۰/۱۷۲; F = ۱۶/۱۶۴; \text{Sig.} = ۰/۰۰$$

آزمون رابطه میان ابعاد مختلف دین‌داری و جهت‌گیری استقلال‌طلبانه‌ی نگرش مدرن در جدول ۸ ارائه شده‌است. یافته‌های نشان می‌دهند که میزان هم‌بستگی متغیرهای مورد بررسی ۰/۳۰۵ است و در مجموع، ۹۳ درصد واریانس جهت‌گیری استقلال‌طلبانه در جمعیت نمونه و ۸۱ درصد آن در جمعیت کل، به وسیله‌ی متغیرهای مستقل تبیین می‌شوند، که از لحاظ آماری معنادار است. تمام ابعاد (به‌جز بعد اعتقادی) دارای رابطه‌ی معکوس با جهت‌گیری استقلال‌طلبانه اند و بیش‌ترین میزان رابطه با جهت‌گیری استقلال‌طلبانه متعلق به بعد اعتقادی و کم‌ترین میزان، متعلق به بعد مناسکی دین‌داری است. تنها دو بعد اعتقادی و پی‌آمدی دارای رابطه‌ی معنادار با این بعد از نگرش مدرن اند.

جدول ۸- برازش چندمتغیره‌ی آزمون رابطه‌ی ابعاد دین‌داری با جهت‌گیری استقلال‌طلبانه‌ی نگرش مدرن

ابعاد دین‌داری	B	انحراف معیار β	T	سطح معناداری
اعتقادی	۰/۱۴۹	۰/۰۴۵	۳/۲۷۱	۰/۰۰۱
تجربی	-۰/۰۴۲	۰/۰۷۳	-۰/۵۷۱	۰/۵۶۹
مناسکی	-۰/۰۳۱	۰/۰۳۳	-۰/۹۳۰	۰/۳۵۳
پی‌آمدی	-۰/۱۲۳	۰/۰۴۳	-۲/۸۶۹	۰/۰۰۴

$$R = ۰/۳۰۵; R^2 = ۰/۰۹۳; \text{Adjusted } R^2 = ۰/۰۸۱; F = ۷/۴۲۰; \text{Sig.} = ۰/۰۰$$

جدول ۹، آزمون رابطه میان ابعاد مختلف دین‌داری و جهت‌گیری شهروندی نگرش مدرن را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، رابطه‌ی هم‌بستگی میان تمام ابعاد دین‌داری و جهت‌گیری استقلال‌طلبانه ۰/۲۸۴ است و این چهار بعد در مجموع، ۸۱ درصد واریانس جهت‌گیری استقلال‌طلبانه را در جمعیت نمونه و ۶۸ درصد آن را در جمعیت کل تبیین می‌کنند، که از نظر آماری معنادار است. میان تمام ابعاد (به‌جز بعد تجربی) رابطه‌ی مستقیم بین متغیرها وجود دارد، که بیش‌ترین میزان متعلق به بعد اعتقادی و کم‌ترین

میزان متعلق به بعد تجربی است. در این میان، تنها رابطه‌ی بعد اعتقادی با متغیر وابسته به لحاظ آماری تأیید می‌شود.

جدول ۹- برآزش چندمتغیره‌ی آزمون رابطه‌ی ابعاد دین‌داری با جهت‌گیری شهروندی نگرش مدرن

ابعاد دین‌داری	B	انحراف معیار β	T	سطح معناداری
اعتقادی	۰/۱۰۰	۰/۲۰۰	۲/۰۹۴	۰/۰۳۷
تجربی	-۰/۰۱۰	-۰/۰۱۳	-۰/۱۳۰	۰/۸۹۷
مناسکی	۰/۰۲۱	۰/۰۶۳	۰/۵۹۷	۰/۵۵۱
پی‌آمدی	۰/۰۳۰	۰/۰۶۶	۰/۶۶۵	۰/۵۰۷

$$R = ۰/۲۸۴; R^2 = ۰/۰۸۱; \text{Adjusted } R^2 = ۰/۰۶۸; F = ۶/۳۳۷; \text{Sig.} = ۰/۰۰۰$$

جدول ۱۰ نشان‌دهنده‌ی نتایج آزمون رابطه میان میزان دین‌داری و نگرش مدرن است، که به تفکیک محل تحصیل و کل جمعیت نمونه محاسبه شده‌است. یافته‌ها در دانشگاه و همچنین در کل، بیان‌گر وجود رابطه بین دو متغیر است. رابطه‌ی بین دو متغیر در حوزه، بر خلاف دو طبقه‌ی دیگر، هرچند دارای جهتی مثبت است، از نظر آماری معنادار نیست و با توجه به منفی بودن ضریب بتا در دانشگاه و همچنین در کل، با افزایش دین‌داری، نگرش مدرن کاهش می‌یابد. هم‌چنان که دیده‌می‌شود، رابطه‌ی بین دین‌داری و نگرش مدرن، تنها در دانشگاه و همچنین در میان کل پاسخ‌گویان به لحاظ آماری معنادار بوده‌است.

جدول ۱۰- آزمون رابطه‌ی میزان دین‌داری پاسخ‌گویان با نگرش مدرن آنان

محل تحصیل	R	R^2	Adjusted R^2	انحراف معیار B	β	F	سطح معناداری
حوزه	۰/۰۷۰	۰/۰۰۵	-۰/۰۰۲	۶/۳۲	۰/۰۶۱	۰/۷۰۲	۰/۴۰۴
دانشگاه	۰/۲۸۰	۰/۰۷۸	۰/۰۷۲	۹/۲۱	-۰/۱۴۷	۱۲/۴۳۷	۰/۰۰۱
کل	۰/۲۹۷	۰/۰۸۸	۰/۰۸۵	۷/۹۵	-۰/۱۳۴	۲۸/۲۲۶	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی رابطه‌ی میان دین‌داری و نگرش مدرن در میان دختران دانشجوی دانشگاه شیراز و طلاب دختر شاغل به تحصیل درحوزه‌های علمیه‌ی شهر شیراز پرداخته‌شد و هدف اصلی، بررسی رابطه‌ی بین میزان دین‌داری این دو گروه و نگرش مدرن آن‌ها بود. گرچه نتایج مطالعه نشان می‌دهد که میان دین‌داری و نگرش مدرن کل پاسخ‌گویان، در مجموع، رابطه‌ی معکوس وجود دارد و با بالا رفتن میزان دین‌داری، نگرش



مدرن کاهش می‌یابد، اما بررسی این رابطه به تفکیک محل تحصیل بیان‌گر آن است که این رابطه در میان هر یک از دو گروه طلبه و دانشجو الگو و جهتی متفاوت دارد؛ یعنی در حوزه رابطه‌ی موجود میان میزان دین‌داری و نگرش مدرن از لحاظ آماری معنادار نیست، در حالی که در میان دانشجویان پاسخ‌گو، رابطه‌ی منفی میان دو متغیر برقرار است.

به نظر می‌رسد که تفاوت مشاهده‌شده در رابطه‌ی میان دین‌داری و نگرش مدرن در بین دانشجویان و طلاب را قبل از هر چیز باید در چهارچوب جهان‌بینی‌های متفاوت آنان تبیین کرد؛ چنان‌چه به اعتقاد وبر، مشخصه‌ی جهان‌شمول جهان‌بینی‌های دینی و ماورای طبیعی این است که هستی را به عنوان کلی بی‌تناقض و معنادار معرفی می‌کنند و به موجب آن تعریفی از رنج، و در کنار آن احکام لازم برای زیستن به دور از آن رنج‌ها صادر می‌شود (وایت^۱، ۱۳۸۰)، که نتیجه‌ی آن معنابخشی به جهان و تجربه‌های زندگی روزانه است. از سوی دیگر، جهان‌بینی مدرن، که از یک طرف با تجربه‌گرایی علمی و از طرف دیگر با عقل‌گرایی مشخص می‌شود، هر گونه اندیشه‌ی جویای معنا را در نمودهای مربوط به عوالم درونی طرد می‌کند و نتیجه‌ی این امر تقدس‌زدایی از جهان و تبدیل آن به جهانی عقلانی و فاقد معنا است؛ بر این اساس، جهان‌بینی علمی با محدود کردن قلمروی شناخت به دنیای مادیات و تأکید بر تجربه‌گرایی، باورهای دینی را به عنوان اموری غیرقابل پژوهش و غیرعلمی کنار خواهد گذاشت. تأیید این نظر را می‌توان از طریق مقایسه‌ی دانشجویان و طلاب، بر حسب مؤلفه‌های دین‌داری و نگرش مدرن، مشاهده کرد. چنان‌چه دیده‌شد، دانشجویان در سه بعد دنیوی شدن، علم‌گرایی، و استقلال‌طلبی، از نگرشی مدرن‌تر در مقایسه با طلاب برخوردار بودند، درحالی که از نظر شاخص‌های دین‌داری، طلاب در حدی بالاتر از مقیاس دین‌داری قرار می‌گیرند.

به نظر می‌رسد که این تفاوت‌های نگرشی را در وهله‌ی اول می‌توان ناشی از تفاوت در شیوه‌ی جامعه‌پذیر ساختن دانشجویان و طلاب در محیط‌های آموزشی خود دانست (دانشگاه و حوزه، دانشجویان و طلاب را، به ترتیب، در جهت درونی کردن جهانی‌بینی علمی و جهان‌بینی دینی جامعه‌پذیر می‌سازند) و در مرحله‌ی بعد، با توجه به جنسیت پاسخ‌گویان، بر پایه‌ی نظریه وودهد مبنی بر تمایز قلمروی عمومی و خصوصی توجیه کرد. از نظر وی، این تمایز، که یکی از پی‌آمدهای مدرنیته است، با راندن بیش از پیش زنان و دین به قلمروی خصوصی و شکل دادن پیوندی طبیعی میان آن‌ها، موجب شده‌است برای زنانی که در قلمروی خصوصی باقی می‌مانند، تنش بین دین‌داری سنتی و جهان مدرن اطراف‌شان پدید نیاید؛ در حالی که زنانی که قصد ورود به قلمروی عمومی و مردانه را

¹ White, Stephen K.

دارند، بیش از پیش با تنش ناشی از برخورد دین سنتی و جهان مدرن روبه‌رو شده، در نتیجه، به سوی اشکال لیبرال و برابری‌طلب دین جذب می‌شوند.

گرچه حوزه و دانشگاه هر دو امکان راه‌یابی زنان به قلمروی عقلانی و مردانه را فراهم می‌آورند، ولی ساختار سنتی حوزه، که جدایی مکانی زنان و مردان و تأکید بر اصول اسلامی، که در آن بر خانواده و نقش زن در آن تأکید می‌شود، باعث شده که حوزه به عنوان نهادی سنتی در قلمروی خصوصی جامعه باقی بماند و زنان حوزوی تضادی را میان آموزه‌های دینی خود و واقعیت‌های جامعه‌ی مدرن تجربه نکنند؛ در حالی که دانشگاه با جدا کردن زنان از قلمروی خصوصی و وارد کردن آن‌ها به عرصه‌ی ماهیتاً مدرن خود باعث به وجود آمدن تضاد میان نگرش‌های دینی و نگرش‌های مدرن زنان دانشجوی می‌شود و همان گونه که وودهد می‌گوید، زمینه‌ی گرایش آن‌ها را به سوی تعاریف لیبرال‌تر دین فراهم می‌سازد. این امر از سوی بیش‌تر پژوهش‌های انجام‌شده در مورد انواع دین‌داری و گرایش‌های دینی دانشجویان تأیید می‌شود.



منابع

- آذربایجانی، مسعود. ۱۳۸۰. «آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه، قم.
- آرون، ریمون. ۱۳۶۴. *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. برگردان باقر پرهام. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- تامپسون، کنت، و کنت جونز. ۱۳۸۱. «دین، قشربندی، و محرومیت» صص ۹۱-۱۲۶ در *دین و ساختار اجتماعی*، به کوشش علی بهرام‌پور و حسن محدثی. تهران: کویر.
- تهرانیان، مجید. ۱۳۷۵. «آموزش عالی در ایران» نامه‌ی پژوهشکده‌ی (۳)۴۵-۶۹
- جلالی مقدم، مسعود. ۱۳۷۹. *درآمدی به جامعه‌شناسی دین و آرای جامعه‌شناسان بزرگ دریاره‌ی دین*. تهران: نشر مرکز.
- رجب‌زاده، احمد. ۱۳۷۸. *جامعه‌شناسی توسعه: بررسی تطبیقی-تاریخی ایران و ژاپن*. تهران: سلمان.
- _____ . ۱۳۸۱. *دانشگاه و دین در ایران: بررسی پیمایشی دانشگاه‌های دولتی تهران*. تهران: مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سراج‌زاده، سیدحسین. ۱۳۸۳. *چالش‌های دین و مدرنیته*. تهران: طرح نو.
- کوزر، لوئیس. ۱۳۷۳. *زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی*. برگردان محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۲. *جامعه‌شناسی*. برگردان محسن ثلاثی. تهران: نشر نی.
- موحد، مجید. ۱۳۸۶. «زنان و دنیوی شدن». صص ۱۶۱-۱۹۵ در *جنسیت و جامعه‌شناسی دین*، تدوین مجید موحد و میثم کابیان. شیراز: نشر آوند اندیشه.
- نصر، سیدحسین. ۱۳۷۳. *جوان مسلمان و دنیای متجدد*. برگردان مرتضی اسعدی. تهران: طرح نو.
- نیک‌پی، امیر، و فرهاد خسرو خاور. ۱۳۸۴. «ذهنیت جوانان ایرانی». *انجمن جامعه‌شناسی ایران* ۲۲:۱۰-۱۱.
- واترز، مالکوم. ۱۳۸۱. *مدرنیته: مفاهیم انتقادی جامعه‌ی سنتی و جامعه‌ی مدرن*. برگردان منصور انصاری. تهران: نقش جهان.
- وایت، استیون. ۱۳۸۰. *خرد، عدالت، و نوگرایی*. برگردان محمد حریری اکبری. تهران: نشر قطره.
- ولف، ژانت. ۱۳۸۰. «زنان، پرسه‌زنان نامرئی: زنان و ادبیات مدرنیته». صص ۴۲۹-۴۳۵ در *مدرنیته و مدرنیسم: سیاست، فرهنگ، و نظریه‌ی اجتماعی*، به کوشش حسین‌علی نودزی. چاپ ۲. تهران: نقش جهان.
- ولیم، ژان پل. ۱۳۷۷. *جامعه‌شناسی ادیان*. برگردان عبدالرحیم گواهی. تهران: تبیان.
- Arner, Michael, and Robert Youtz. 1971. "Formal Education and Individual Modernity in an African Society." *American Journal of Sociology* 76(4):604-626.
- Furseth, Inger. 2005. "From 'Everything Has a Meaning' to 'I Want to Believe in Something': Religious Change between Two Generations of Women in Norway." *Social Compass* 52(2):157-168.
- Juschka, Darlene M., ed. 2001. *Feminism in the Study of Religion: A Reader*. London, UK, and New York, NY, USA: Continuum.

- Klinkhammer, Gritt. 2003. "Modern Constructions of Islamic Identity: The Case of Second Generation Muslim women in Germany." *Marburg Journal of Religion* 8(1). Retrieved 12 May 2008 (<http://archiv.ub.uni-marburg.de/mjr/klinkhammer.html>).
- Sharma, S. L. 1979. *Modernizing Effects of University Education*. New Delhi, India: Allied Publishers, Pvt. Ltd.
- Shukrallah, Hala. 2001. "The Impact of the Islamic Movement in Egypt." Pp. 180–197 in *Feminism in the Study of Religion: A Reader*, edited by Darlene M. Juschka. London, UK, and New York, NY, USA: Continuum.
- Sered, Susan Starr. 1990. "Women, Religion, and Modernization: Tradition and Transformation among Elderly Jews in Israel." *American Anthropologist, New Series* 92(2):306–318.
- Toft, Evelyn. 1995. "Gender and Religion." Pp. 556–560 in *International Encyclopedia of Sociology*, edited by Frank N. Magill. London, UK, and Chicago, IL, USA: Fitzory Dearborn Publishers.
- Walter, Tony, and Grace Davie. 1998. "The Religiosity of Women in the Modern West." *The British Journal of Sociology* 49(4):640–660.
- Woodhead, Linda. 2002. "Women and Religion." Pp. 332–356 in *Religions in the Modern World: Traditions and Transformations*, edited by Linda Woodhead. London, UK: Routledge.
- . 2003. "Feminism and the Sociology of Religion: From Gender-blindness to Gendered Difference." Pp. 67–84 in *The Blackwell Companion to Sociology of Religion*, edited by Richard K. Fenn. Oxford, UK: Blackwell.



نویسندگان

دکتر مجید موحد،

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز
mmovahed@rose.shirazu.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه پنجاب^۱، چندیگر، هندوستان، ۱۳۸۱. گرایش پژوهشی او در زمینه‌ی جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی جنسیت، و دگرگونی‌های فرهنگی است. وی نگارنده‌ی ارشد کتاب *جنسیت و جامعه‌شناسی دین* (۱۳۸۶) است. از وی حدود بیست مقاله‌ی فارسی و انگلیسی در حوزه‌های جامعه‌شناسی چاپ شده‌است.

^۱ Panjab University, Chandigarh, India

دکتر حلیمه عنایت،

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز
ha_enayate@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه پنجاب، چندیگر، هندوستان، ۱۳۸۱. گرایش پژوهشی وی در زمینه‌ی جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی زنان، و جنسیت است. از نوشته‌های وی می‌توان «جهانی شدن و خانواده»، «نگرش زنان به نابرابری‌های جنسیتی»، «اشتغال و عزت نفس زنان»، و «سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان» را نام برد.

میثم کایدان بدیع،

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز
maysamkaydan@yahoo.com

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز. گرایش پژوهشی وی در زمینه‌ی جامعه‌شناسی دین و جنسیت است. وی یکی از نویسندگان کتاب *جنسیت و جامعه‌شناسی دین* (۱۳۸۶) است.